

باورداشت مهدویت در جوامع اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اکبر حسینی^۱

تاریخ تحویل: ۸۷/۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۸۷/۵/۳۰

۱. استاد حوزه و دانشگاه.

چکیده

اعتقاد به مهدی و مهدویت، از بدعت‌ها و انحراف‌ها نبوده و نیست؛ بلکه برخاسته از صدها و هزاران نص و نصوص از پیامبر ﷺ و صحابه و تابعان و امامان معصوم علیهم السلام است و ریشه در منابع اصیل راستین قرآن و عترت و اهل بیت علیهم السلام دارد و از زمان پیامبر ﷺ شهرت داشته و حتی مردم، برخی از اهل بیت علیهم السلام را مهدی می‌پنداشتند.

کلیدواژه‌ها: ائمه دوازده گانه، خلیفه، مهدی، ظهور، مدعیان دروغین، سامرا، سرداب مقدس.

مقدمه

بر ما و همه پیروان راستین حق و منتظران ظهور حضرت مهدی علیها السلام و همه توده‌های محروم، لازم است که نخست بازی‌ها و شگردهای مدعیان دروغین را باز شناسیم و سپس سطح شناخت و آگاهی خویش از حضرت مهدی علیها السلام را بدان پایه برسانیم که دچار اشتباه نشویم و معیار کاملی برای تشخیص حق و باطل داشته باشیم. مهم‌ترین علت این که مدعیان مهدویت نسبتاً زیاد بوده‌اند، آن است که متجاوز از سه هزار حدیث و روایت از قول پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام درباره خصوصیات مهدی علیها السلام و نام و نشان آن حضرت ﷺ وارد شده است.

به ویژه نام مهدی علیه السلام و نحوه ولادت آن حضرت و نام او و پدر و مادرش و این که فرزند چندم پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام است و علایم ظهور و خصوصیات بعد از ظهور چگونه است و یاران ویژه اش چه خصوصیتی دارند، همگی بیان شده است. این حقیقت، چنان مسلم و انکارناپذیر و مشهود بود که شیعه و سنی و حتی دشمنان اهل بیت علیهم السلام و خلفای جور هم آن را به خوبی می دانستند؛ ولی بسیاری از مردم، در تطبیق و مصداق آن و نیز جزییات زمان ظهور آن حضرت، دچار اشتباه می شدند و احیاناً بسیاری از امامان راستین شیعه را به غلط، مهدی می پنداشتند. اینک برای روشن شدن بیشتر این مطلب، به چند نمونه اشاره می کنیم.

مدعیان کاذب مهدویت و کسانی که مهدی پنداشته شده اند

برخی از کسانی که مردم، آن ها را مهدی پنداشته اند یا خود آنان، مردم را گمراه ساخته و به نام مهدی قیام کرده اند، عبارتند از:

گروهی از مسلمانان (کیسانیه) محمد حنفیه را مهدی دانسته اند و معتقدند در کوه رضوی غایب می باشد.^۱

گروهی از «جارودیه» محمد بن عبد الله بن حسن را مهدی غایب دانسته اند و در انتظار ظهورش به سر می برند.^۲

«ناووسیه» گروه دیگری هستند که حضرت امام صادق علیه السلام را زنده و مهدی می دانند.^۳

«واقفیه» حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را امام زنده و غایب می دانند که بعداً ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد می سازد.^۴

۱. ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۴۷؛ فرق الشیعه نوبختی ط ۱۳۵۵، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۱۵۷، همان، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۱۶۶، همان، ص ۶۷.

۴. همان، ص ۲۷۷، همان، ص ۸۰-۸۳.

«اسماعیلیه» به مهدویت حضرت اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام معتقدند و می‌گویند: او نمرده است؛ بلکه از روی تقیه به او نسبت مرگ داده‌اند.

«باقریه» حضرت امام باقر علیه السلام را مهدی موعود و «محمدیه» حضرت محمد بن علی فرزند امام علی النقی علیه السلام را مهدی می‌دانستند.^۱

«جوازیه» معتقدند که حجت ابن الحسن فرزندی داشته و او مهدی است. گروه دیگر از اسماعیلیه معتقدند که محمد بن عبد الله مغربی ملقب به مهدی که در مغرب به سلطنت رسیده، همان مهدی موعود است که در روایات آمده است در سال ۳۰۰ ق از مغرب نمایان می‌شود.

مهدی مصر در سال ۱۲۱۳ ق (۱۷۶۸ م) ادعای مهدویت کرد و گروهی را گرد خود جمع نمود؛ ولی سرانجام با هجوم لشکریان ناپلئون، شکست خورد و متواری شد.^۲ درویش رضا در سال سوم جلوس شاه صفی صفوی به نام مهدی در قزوین خروج کرد.^۳

گروهی آن قدر بی‌خردند که به مهدویت یزید معتقد می‌باشند و می‌گویند: او به آسمان رفته و بعداً بر می‌گردد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. چه پندار احمقانه‌ای! یزید در سه سال سلطنت کثیف خود، چه کرد، تا بعداً عدل و داد، برپا بکند؟ چه جنایات وحشیانه‌ای که انجام نداد! سال اول حکومتش، امام حسین علیه السلام و یارانش را شهید کرد. سال دوم، مردم مدینه را قتل عام کرد و مال و جان و ناموس آنان را مباح دانست و سال سوم، به تخریب کعبه پرداخت. لابد نمونه عدل و داد او از همین قماش‌ها است. درست مانند قیام باب و بها که به قول خود، دنیا را پر از عدل و داد کردند و آباد نمودند و رفتند و در راه این هدف خون‌های بی‌گناهان بسیاری

۱. همان، ص ۱۶۵، همان، ص ۶۸.

۲. مدعیان نبوت و مهدویت، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۳. همان، ص ۲۷۶.

را ریختند.^۱

«راوندیه» منصور عباسی، خلیفه سفاک را مهدی دانسته و حتی معتقد بودند که روح خدا در پیکر او حلول کرده و همچون طواف کعبه، گرد کاخ خلیفه، طواف می کردند. این خلیفه نیز نه تنها امتناع نداشت؛ بلکه خشنود نیز بود. می گویند روزی مسلمان ساده لوحی به خلیفه گفت: «این قوم تو را «مهدی» بلکه خدا می داند و گرد خانه تو طواف می کنند. آنان مشرکند؛ طردشان کن و حکم قتل آنان را صادر نما». او گفت: «ترجیح می دهم این قوم به من وفادار باشند و به جهنم بروند، تا بر ضد من قیام کنند و به بهشت بروند».^۲

بسیاری محمد دیباج و عبدالله ابن الحسن را امام و دیگر قیامگران علوی را مهدی دانسته اند.

البته ممکن است عشق و علاقه مردم به مهدی و آشنایی با نام آن حضرت و وعده های پیامبر ﷺ درباره ظهور و قیامش، سبب شده است به اینان گرایش یابند؛ ولی بیشتر مهدی نماها در نقاط و زمان های مختلف، دام گسترده و هر یک گروهی را گمراه کرده اند. بسیاری از آنان، آشکارا مردم را به سوی خود دعوت می کردند و نام مهدی بر خود می نهادند. استعمار نیز برای ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین و بهره گیری از جاه طلبی افراد مورد نظر به این مهدی گری ها دامن زده است.

مهدی سودانی، در سال ۱۸۴۸م متولد و در سال ۱۸۸۵م کشته شد. او سودان را گرفت و چهار جانشین برای خود معرفی کرد.^۳

می گویند: پیروان محمد بن عبد الله نفس زکیه، حدیث منسوب به پیامبر ﷺ که «نام او [مهدی] نام من و نام پدرش نام پدر من است» را جعل کرده اند.

۱. تنبیهاات الجلیه فی کشف اسرار الباطینة، ص ۴۰-۴۲ (به نقل از دیباجه ای بر رهبری).

۲. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۱۳۳-۱۲۹.

۳. مجله الهلال، سال ۸ و ۷ به نقل از ادیان و مهدویت....

«زیدیه» به مهدویت زید بن علی بن الحسین معتقدند که در سال ۱۲۰ یا ۱۲۲ ق شهید شد.^۱

برخی ابوالعباس سفاح نخستین خلیفه عباسی پس از سرنگونی بنی امیه را مهدی پنداشتند.

«ابو مسلم خراسانی» نیز ادعای مهدویت کرد و در سال ۱۳۸ ق کشته شد.^۲
 «ابن مقفع» نقابدار معروف خراسان که در علوم غریبه از جمله شعبده و طلسم و ... مهارت داشت، مدعی مهدویت بود.^۳

«حاکم نصرالله» که در سال ۳۸۶ ق خلیفه شد، نخست ادعای مهدویت کرد و سپس ادعای الوهیت (خدایی) نمود.^۴

گویی بیشتر مدعیان مهدویت، بعد از ادعای نبوت، ادعای خدایی هم کرده‌اند؛ چون استقبال مردم ساده دل به مذاقشان شیرین آمده، درجه و رتبه خود را بالاتر می‌بردند.
 «ابو محمد عبد الله مهدی» در آفریقا که در سال ۳۴۴ ق وفات کرد، خود را مهدی و امیر مومنان خواند.^۵

«عبد الله عجمی» در ماه رمضان ۱۰۸۱ ق در مسجد الحرام، ادعای مهدویت کرد.

«محمد بن احمد سودانی» نیز در سال ۱۲۹۹ ق ادعای مهدویت کرد.^۶

«سید محمد بن علی بن احمد ادریس» در سال ۱۳۲۳ ق ادعای مهدویت کرد.

ابن سعید یمانی ملقب به فقیه در سال ۱۲۵۶ ق مدعی مهدویت شد.^۷

آری؛ این «مهدی»‌های بدلی و قلابی چون مهدی سودانی، مراکشی، مصری،

۱. نک: مروج الذهب؛ تاریخ ابن خلکان؛ الکامل فی التاریخ؛ ابن اثیر، ج ۵.

۲. ابن اثیر، ج ۵، عقد الفرید، ج ۲، ملل و نحل، ص ۱۱۱.

۳. ادیان و مهدویت و مدعیان نبوت و مهدویت؛ تاریخ بخارا، کتاب مهدی.

۴. همان.

۵. ابن خلکان و ابن اثیر.

۶. ابن اثیر، ج ۸، فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶.

۷. به کتاب‌های معتبر یاد شده در بالا مراجعه شود.

هندی و پاکستانی، آمریکایی و ایرانی و ... چه کارها که نکردند و چه درگیری‌ها و خونریزی‌ها که راه نینداختند! مردم ساده دل که فریب این بازیگران جاه‌طلب یا عوامل استعمار را خوردند، این گرگ‌های گرسنه را در لباس چوپان دیدند و آنان را دلسوز خود و نجات بخش خویش پنداشتند. اینان قربانی خوش‌باوری، ناآگاهی و عدم شناخت و ژرف‌نگری‌های خود شدند. نمونه کوچک آن، غلام احمد قادیانی است که خود را در شبه قاره هند، مهدی نامید. او به نصارا می‌گفت: «من مسیح موعود هستم» و به یهود می‌گفت: «من نبی آخرالزمان هستم» و ... او که تقریباً همزمان با ادعای مهدویت سید علی محمد باب در ایران و در اوج تب مهدی‌سازی استعمار انگلستان، ادعا کرد، تنها عمل مثبتی که انجام داد - آن هم در اوج مبارزات ضد استعماری ملل آسیا؛ به ویژه مسلمانان شبه قاره هند بر ضد انگلستان و ... - گفت: «همه احکام اسلام، درست و به قوت خود باقی است، جز جهاد و امر به معروف که من آن‌ها را نسخ کردم و برداشتم و به جای آن، اطاعت از والی و حاکم را [که در آنروز از طرف استعمار، در آن‌جا حکومت می‌کرد] واجب می‌کنم».

مهدی ایرانی (میرزا علی محمد باب) و سپس بها و ... را نیز دیدیم که چگونه مصلح جهان و نجات دهنده ملت و سعادت‌آفرین بودند؟؟

چه هرزگی‌ها و بد بختی‌ها، به ارمغان آوردند؟ در عصر علم و تسخیر فضا، سوزاندن تمام کتب از جمله قرآن را واجب کردند و در صفحه ۱۹۸ بیان فارسی می‌گوید: «کتاب‌های عالم به غیر از بیان و آنچه در قلمرو بیان نگارش یافته است، از بین ببرید». در صفحه ۳۲۳ بیان فارسی استعمال دارو را مطلقاً حرام کرده و دستور داده است، که جز کتاب بیان ... همه را بسوزانند (او خواست تا در علم و فهم را به روی مردم جهان ببندد).

تمام وعده‌های خوب و کارنامه‌های امام زمان علیه السلام توسط این مهدی‌های دروغین ساخته و پرداخته «تزار روس» و پرورده انگلستان و عامل بیگانه (آمریکا و اسرائیل)

به باد رفت. او جنگی نکرد و بر هیچ ستمگری غلبه ننمود و نه تنها حکومت جهانی تشکیل نداد؛ بلکه نتوانست حکومت محلی هم برپا کند. ایمان و اخلاق را ترویج نکرد که هیچ؛ بلکه توسط او و ایادی اش فساد و دروغ و هرزگی، رواج یافت. او برخلاف امام زمان واقعی که همیشه غالب و فاتح است، مغلوب همه شد و جسدش، خوراک سگان و ... گردید. آن دیگری بهاء نیز سرانجامش چنان شد که از پادشاه روس استمداد کرد. آری؛ این استمداد را کسی می‌طلبید که روزی می‌گفت: «خدایی جز من که خدای زندانی تنها و یگانه است، وجود ندارد».^۱

دیدگاه اهل سنت درباره مهدی موعود

اهل سنت می‌گویند ما نیز به مهدی موعود عقیده داریم که از اولاد رسول‌الله و از نسل فاطمه زهرا و علی مرتضی است؛ ولی هنوز متولد نشده است و در آخرالزمان متولد می‌شود. همچنین خداوند حتی اگر یک روز از دنیا باقی باشد، آن را آن قدر طولانی می‌کند که او متولد شود و ظهور کند و قیام نماید و زمین را پر از عدل و داد کند و دین اسلام را بر همه دنیا غالب کند؛ سپس پایان عمر دنیا است و قیامت بر پا می‌گردد. آنان می‌گویند ما به مهدی امت عقیده داریم؛ ولی نه مانند شیعه.

مسأله تولد و زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت

دستاویز «ابن خلدون» و دیگران

در سفری به مکه و مدینه در برخورد با یکی از اساتید دانشگاه مدینه که نویسنده و متفکر معروفی است، ضمن انتقاد به برخی از افکار شیعه، بحثی هم درباره حضرت مهدی انجام شد. او می‌گفت: «ما هم به وجود مهدی عقیده داریم؛ ولی نه مهدی که در چاه غایب شده باشد. بلکه مهدی که از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله است و در آخرالزمان

۱. کتاب مبین، ص ۲۲۹. باب، در سال ۱۸۵۰م در تبریز کشته شد. و بها در ۱۳۰۹ق (۱۸۹۳م) در عکا که جزو سرزمین‌های اشغالی فلسطین است، مرد و همان‌جا دفن شد.

ظهور می‌کند. نه آن مهدی که غلات شیعه معتقدند در سرداب غایب شده و هنوز هم آن‌جا است و هر شب، ده‌ها شیعه اسب‌ها را زین کرده و مقابل سرداب، منتظر باشند و بگویند: «یا مهدی اخرج الینا اخرج الینا».

انتقاد او ناظر به مطالب «ابن خلدون» در ص ۱۵۷ مقدمه‌اش بود. وی می‌گوید: غلات شیعه - به ویژه دوازده امامی‌ها - می‌پندارند دوازدهمین پیشوایشان، محمد بن حسن عسکری است که به او لقب مهدی داده‌اند و داخل سرداب خانه‌شان در شهر «حله» غایب شد. او در آخر الزمان قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد ... آنان، اکنون در انتظار او هستند و او را منتظر می‌نامند و بعد از نماز مغرب، با اسب‌های زین شده و آماده، دم در سرداب منتظر ایستاده و فریاد می‌زنند و او را به نام برای خروج و قیام می‌خوانند، تا نزدیک صبح ...!'^۱

وی در آن کتاب^۲، به بحث مفصلی درباره مهدی و روایات منقول درباره آن حضرت، از کتب اهل سنت، می‌پردازد.

این، دروغ بی‌اساسی است که به شیعه نسبت داده‌اند. ابن خلدون و سپس ابن تیمیه آن را تبلیغ و ترویج کرده و افسانه غیبت در سرداب سامره را ساخته و پرداخته‌اند و می‌گویند: شیعه، با اسب‌های زین کرده آن‌جا در انتظار ظهورند و با شعار یا مهدی اخرج الینا ... در انتظار فرج هستند.

۱. مهدی و امام زمان فرزند امام حسن عسکری است.

در این که امام زمان حضرت مهدی علیه السلام فرزند بی‌واسطه امام حسن عسکری علیه السلام و یازدهمین پیشوای شیعه است، شکی نیست؛ چون از پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه بزرگوار و

۱. «قال مثله غلاة الامامية و خصوصا اثني عشرية، منهم يزعمون ان الثاني عشر من ائمتهم و هو محمد بن الحسن العسکری و یلقبونه بالمهدی، دخل فی السرداب بدارهم بالحله و تغیب حین اعتقل مع امه و غاب هنالك و هو یخرج فی آخر الزمان فیمالا الارض عدلا، یشیرون بذلك الی الحدیث الواقع فی کتاب الترمذی فی المهدی... هم الی الان ینتظرونه یسمونه المنتظر لذلك و یقفون فی کل لیلة بعد صلوٰة المغرب بباب هذا السرداب و قد قدموا مرکبا فہتفوا باسمه و یدعونه للخروج حتی تشتبک النجوم و...»
 ۲. باب ۵۳ ص ۲۴۶ چاپ بیروت.

یکایک امامان شیعه، احادیث متقن و معتبری در این باره نقل شده است.
ینابیع المودة از مدارک معتبر اهل سنت در ص ۴۹۱ نقل کرده است که خلف صالح، از فرزندان حسن بن علی عسکری علیه السلام و صاحب الزمان می باشد و او است مهدی آخر الزمان.

مرحوم «علی بن عیسی اربلی» صاحب کتاب «**کشف الغمه**» می نویسد:
 چهل حدیث درباره مهدی موعود به دست آوردم که اهل سنت آن ها را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند و حافظ ابونعیم اصفهانی از علمای بزرگ اهل سنت (متوفای ۴۳۰ ق) آن ها را در کتاب اربعین خود آورده است.^۱

در **فوائد السمطين** از امام رضا علیه السلام نقل شده است که امام بعد از من، پسر محمد تقی و بعد از او پسرش امام هادی نقی و بعد از او پسرش امام حسن عسکری است و بعدش پسر او، محمد بن حجت مهدی منتظر علیه السلام خواهد بود.

و حتی عبدالوهاب شعرانی در کتاب **البیواقیت و الجواهر مبحث ۶۵** می نویسد:
 «از اموری که قبل از قیامت واقع می شود، خروج مهدی است. او فرزند امام حسن عسکری است و تولد او در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق می باشد. او باقی است تا با عیسی بن مریم جمع شود».

نیز در این هم تردیدی نیست که مهدی علیه السلام آخرین امام و دوازدهمین وصی از خلفای راشدین است که پیامبر به آن تصریح کرده است. او همان کسی است که در سال ۲۵۵ ق متولد شده و پدرش امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام است. در حالی که از سن مبارک امام زمان، بیش از پنج سال نگذشته بود، پدرش شهید شد و از دنیا رفت.

۲. حیات مهدی علیه السلام و طول عمر او
 از نظر روایات و احادیث معتبر فریقین، در این که آن حضرت هنوز هم به امر و اراده

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: به / **اربعین** ابونعیم اصفهانی (از علمای بزرگ اهل سنت و متوفای ۴۳۰ ق): **کشف الغمه**، ج ۳، **مهدی موعود** صلی الله علیه و آله، ص ۲۹۰؛ **المهدی** تألیف آیت الله صدر و **کشف الاستار** مراجعه شود..

الهی زنده، ولی غایب و پنهان از انظار مردم است و به اذن خداوند ظهور می کند، تردیدی وجود ندارد.

البته برخی از مسلمانان در آن شک و تردید دارند؛ ولی شیعه، و برخی از فرق اسلامی، برای این اعتقاد خود، دلایل فراوان و براهین مستحکم و قاطعی دارند که ضمن ده ها و صدها کتاب، با قرآن و سنت و عقل و اجماع آن ها را اثبات کرده اند. برخی علمای اهل سنت نیز با این عقیده شیعه موافقت و به طور قطع باید گفت: این عقیده، بین مسلمانان، مشهور است.^۱

بررسی همه جانبه این دلایل و نقل همه احادیث مزبور، از حوصله مقاله بیرون است؛ ولی به ذکر نام آنان اکتفا می کنیم و نام های گروهی از دانشمندان و بزرگان اهل سنت و مشایخ صوفیه را که به ولادت آن حضرت و حیاتش تا زمانی که خداوند به او اذن ظهور و قیام دهد، اعتراف کرده اند، از نظر می گذرانیم:

۱. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متولد سال ۵۸۳ ق) در کتاب *مطالب السؤل*.^۲
۲. حافظ محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی در کتاب *البيان فی اخبار صاحب الزمان*.
۳. ابن صباغ مالکی در کتاب *الفصول المهمة*.
۴. سبط بن جوزی در *تذکرة الخواص*.^۳
۵. محی الدین بن عربی، جزء سوم از باب ۳۶۶ *فتوحات مکیه* را به حضرت مهدی اختصاص داده است.^۴
۶. شیخ عبدالوهاب شعرانی در کتاب *البیواقیت و الجواهر*.
۷. شیخ حسن عراقی.
۸. شیخ علی خواص.

۱. *موسوعة الامام المهدی*، ج ۱، ص ۲۶-۴۱.

۲. *کشف الاستار*، ص ۴۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۵.

۹. شیخ عبدالرحمن جامی.
۱۰. حافظ محمد بخاری.
۱۱. ابن فوارس رازی.
۱۲. سید جمال الدین محدث.
۱۳. حافظ احمد بلاذری (غیر از بلاذری صاحب *انساب الاشراف* است).
۱۴. ابن خشاب بغدادی.
۱۵. ملک العلماء دولت آبادی.
۱۶. شیخ علی متقی هندی (صاحب *کنز العمال*).
۱۷. ابن روزبهان شیرازی.
۱۸. ناصرالدین اله عباسی.
۱۹. شیخ سلیمان قندوزی در کتاب *ینابیع المودة*، ص ۴۵۲.
۲۰. صلاح الدین صفدی.
۲۱. شیخ عبدالرحمن بسطامی.
۲۲. شیخ عبدالرحمن صاحب *مرآة الاسرار*.
۲۳. شیخ قطب مدار.
۲۴. شیخ جواد یساباطی.
۲۵. شیخ سعد الدین حموی^۱.
۲۶. شیخ عامر بقری.
۲۷. شیخ صدرالدین قونوی.
۲۸. شیخ جلال الدین رومی.
۲۹. شیخ عطار نیشابوری.
۳۰. شیخ شمس الدین تبریزی.

۱. همان.

۳۱. سید نعمت اللہ ولی (از مشایخ صوفیہ).
۳۲. السید نسیمی.
۳۳. سید علی ہمدانی.
۳۴. شیخ عبد اللہ عطیری.
۳۵. سید سراج الدین رفاعی.
۳۶. شیخ محمد صبان عصری.
۳۷. محمد ابراہیم حموینی شافعی در فراید السمطین.
۳۸. محمد بن شحہ حنفی در روضة المناظر، ج ۱، ص ۲۹۴.
۳۹. حافظ عبدالرحمن سیوطی شافعی.
۴۰. حافظ محمد بن مسعود بغوی.
۴۱. شہاب الدین ابن حجر مکی صاحب الصواعق المحرقة.
۴۲. مؤمن شبلنجی صاحب نورالابصار، باب دوم، ص ۱۵۲.
۴۳. حافظ ابوبکر بیہقی.
۴۴. ابن خلکان مورخ مشہور.
۴۵. فرمانی صاحب اخبار الاول.
۴۶. شمس الدین بن طولون صاحب الشذور الذهبیہ.
۴۷. حافظ ابونعیم، رضوان العقبی.
۴۸. علی بن حسین مسعودی صاحب مروج الذهب.
۴۹. ابن اثیر جزری صاحب کامل التواریخ.
۵۰. ابو الفداء مورخ مشہور و صاحب المختصر فی اخبار البشر.
۵۱. محمد خواند میر صاحب روضة الصفا.
۵۲. خواند میر صاحب حبیب السیر.
۵۳. حسین بن محمد دیاربکری، صاحب تاریخ الخميس.

۵۴. شیخ ابن عمار حنبلی، صاحب *شذرات الذهب*.

۵۵. جلال الدین سیوطی در *علامات المهدی*.

۵۶. ابو نعیم در *اخبار المهدی*.

۵۷. ابن حجر هیثمی در *القول المختصر*.

۵۸. شوکانی در *التوضیح*.

۵۹. ابو عباس ابن عبدالمؤمن مغربی در کتاب *الوهم المکنون*.

۶۰. متقی هندی در *البرهان*.

و ... ده ها نفر دیگر.^۱

به طور کلی می توان گفت که دانشمندان اهل سنت، متجاوز از پانصد حدیث در بیش از شصت کتاب معتبر خود آورده اند.^۲

اعتراف افراطی ترین فرق اهل سنت

جالب تر آن که چند سال قبل، مسلمانی از اهل کنیا به نام ابومحمد از «رابطه العالم الاسلامی» که مرکز آن، در مکه است و زیر نفوذ متعصب ترین فرقه های اهل سنت (وهابی ها) اداره می شود، درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سؤال می کند. دبیر کل رابطه العالم الاسلامی، محمد صالح الفوزان در پاسخ وی، ضمن اعتراف به این که حتی ابن تیمیه، مؤسس مذهب وهابی نیز احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را پذیرفته و نقل کرده است، متن رساله ای را که پنج نفر از بزرگان علمای فعلی حجاز تهیه کرده بودند، برایش ارسال می دارد. در این رساله نام و مشخصات حضرت و محل ظهور او (در مکه) و ویژگی های دیگر آن و اوضاع عمومی جهان در عصر ظهور حضرت مهدی آمده است. آنان، تصریح کرده اند که آن حضرت، آخرین

۱. همان، ص ۱۰-۱۲.

۲. در *الزام الناصب*، ص ۱۷۳، روایات گروهی از بزرگان اهل سنت را که در آنها به وجود و زنده بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از زمان غیبت تصریح شده، نقل کرده است.

خلیفه از خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر ﷺ خبر آنها را بیان فرموده و در کتب معروف اهل سنت و صحاح، نقل شده است.

نیز می افزاید:

بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ از جمله علی علیه السلام، عثمان، طلحه، و عبد الرحمن بن عوف، آن را نقل کرده و می گویند: «این پانزده تن از اصحاب پیامبر، احادیث مزبور را نقل کرده اند و غیر از آنان، افراد دیگری نیز نقل کرده اند. به علاوه سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن، بحث ظهور حضرت مهدی آمده است و در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث، اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است.

همچنین پس از تصریح به نام کتاب ها و دانشمندانی که درباره حضرت مهدی کتاب هایی تألیف کرده اند، می نویسد:

آخرین کسی که در این باره بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.^۱

در مجله *الجامعة الإسلامية* آمده است:^۲

عده ای از بزرگان و دانشمندان اسلامی از قدیم و جدید نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث درباره مهدی در حد تواتر است و به هیچ وجه قابل انکار نیست؛ مانند سخاوی در کتاب *فتح المغیث* و محمد بن احمد سفایینی در *شرح العقیده* و ابوالحسن آبری در *مناقب* و ابن تیمیه در *الفتاوا* و سیوطی در *الحاوی* و محمد جعفر کنانی در *نظم التناثر*.

سپس می افزاید:

تنها ابن خلدون است که خواسته احادیث مهدی را با حدیث بی اساس و مجعولی که می گوید: «مهدی ای جز عیسی نیست». مورد ایراد قرار دهد؛ ولی بزرگان و پیشوایان و دانشمندان اسلام، گفتار او را رد کرده اند؛ به خصوص «ابن عبد المؤمن» که کتابی در رد آن نوشته که سی سال پیش انتشار یافته است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۵.

۲. شماره ۳، سال اول، ذی القعدة ۱۳۸۸ ق.

هم چنین این مجله در مقاله ای^۱ به قلم شیخ عبد الحسین العباد، استاد دانشگاه مدینه، عنوان «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» طی نود صفحه مباحث مفصل و مستندی درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است که به طور خلاصه به گوشه ای از آن ها اشاره می شود. در این مقاله فهرست مطالب درباره حضرت مهدی علیه السلام از حدیث و روایت چنین بیان شده است:

۱. مشخصات ۲۶ تن از اصحاب معروف پیامبر صلی الله علیه و آله که احادیث حضرت مهدی علیه السلام را از خود پیامبر نقل کرده اند.
۲. پیشوایان و امامان حدیث اهل سنت که احادیث و آثار وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام را در کتب خود نقل کرده اند. در این باره، مشخصات ۳۸ نفر از صاحبان صحاح معروف و مشهور اهل سنت را بیان می کند. از جمله ابوداود، ترمذی، نسایی، ابن ماجه، احمد بن حنبل و حاکم.
۳. مشخصات ده نفر از قدمای علمای اهل سنت که درباره مقام و خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام کتاب تالیف کرده اند.
۴. نام های کسانی که متواتر بودن احادیث مربوط درباره حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده و در کلام و نوشته های خویش، آورده اند.
۵. اشاره به احادیثی که در صحیحین و غیر صحیحین درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است.^۲

به علاوه خود ابن خلدون این حقیقت را نقل کرده و اصل ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام را از اصول مسلمة دانسته است و می گوید:

ما می گوئیم جمعی از امامان حدیث، احادیث مربوط به مهدی را ثبت کرده اند که همگی از رجال و معروفان می باشند:

۱. همان.

۲. موسوعة الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۶۱ و ۶۳۱.

۱. ترمذی (ابو عیسی محمد ترمذی صاحب کتاب صحیح ترمذی (متوفای ۲۷۹ ق)).
۲. ابو داوود که کنیه سلیمان بن اشعث بن اسحق بن شداد بن عمرو بن عمران ازدی سجستانی صاحب سنن (متوفای ۲۷۲ ق) است.
۳. ابن ماجه محمد بن یزید بن ماجه قزوینی، مکنی به ابو عبد الله، از مشاهیر اهل سنت و صاحب سنن (متوفای ۲۷۳ ق).
۴. بزاز ابوبکر بن احمد بن عمر بصری صاحب مسند کبیر (متوفای ۲۹۲ ق).^۱
۵. حاکم نیشابوری صاحب تألیفات مهم در تاریخ حدیث (متوفای ۴۰۳ ق).
۶. ابویعلی موصلی احمد بن علی تیمی موصل صاحب کتاب مسند الکبیر (متوفای ۳۰۷ ق).
۷. طبرانی سلیمان بن احمد بن ایوب (متوفای ۲۶۰ ق).

این گروه روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را به جمعی از صحابه از جمله به علی علیه السلام، ابن عباس، ابن عمر، ابن مسعود، ابوهریره، انس بن مالک، ابو سعید خدری، ام حبیبه و ام سلمه رسانده‌اند.^۲

گوشه‌ای از برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام

اکنون برای شناخت بیشتر از امام زمان علیه السلام و آشنایی با برنامه آن حضرت پس از ظهور، به قسمتی از کارنامه آن حضرت اشاره می‌کنیم و به گوشه‌ای از ویژگی‌های قیام مهدی علیه السلام می‌پردازیم.

۱. مبدأ قیام

از ویژگی‌های مهم قیام حضرت مهدی، آن است که مبدأ قیام آن حضرت از مکه است. او در حالی که به دیوار مکه تکیه دارد، با صدایی که مردم می‌شنوند و آن حضرت را می‌نگرند، این آیه را می‌خواند: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»؛ و سپس می‌فرماید: «انا بقیة الله فی ارضه ...»؛ اول جبریل، با او بیعت می‌کند و سپس

۱. رک: کشف الاستار، ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. کمال الدین، ص ۲۰-۲۷.

نیروی ویژه ۳۱۳ نفری از یاران خاص و آن گاه که شمار یارانش به ده هزار نفر رسید، از مکه به سوی مدینه و سپس به کوفه می آید و آن جا را پایگاه خویش قرار می دهد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

سوگند به خدا! او فقط لباس خشن می پوشد و از نان جو خشک تغذیه می کند. قیامش، با شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر و ...^۲

۲. پیامبرگونه بودن قیام

آن حضرت، هنگام ظهور، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را بر دست و پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله بر تن و شمشیر آن حضرت را در دست دارد و نشانه های ظاهری و باطنی پیامبر در او نمایان است.^۳

قیام آن حضرت، پیامبرگونه است. بسیار بیشتر از افراد فقیر و محروم که در آغاز امر، به پیامبر گرویدند، به حضرت مهدی علیه السلام گرایش می یابند؛ چون تمام صفا و صمیمیت و اخلاق عظیم و معنویت و کمال پیامبران را در وجود حضرت مهدی علیه السلام جمع خواهند دید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قیام کند، به منبر می رود و پس از بیان فلسفه و راز بعثت انبیا، مردم را به سوی خویش می خواند و مردم را به خدا سوگند می دهد و آنان را به سوی خداوند می خواند و به راه و روش و به سیره پیامبر و سنت رسول خدا عمل می کند. جبرئیل، نخستین کسی است که با او بیعت می کند.^۴

۱. کشف الاستار: اعیان الشیعه، ص ۱۶۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۷.

۲. فوالله ما لباسه الا الغلیظ و لاطعامه الا الشعیر الجشب و ما هو الا بالسیف و الموت تحت ظل السیف...؛ انوار، ص ۱۸۶.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۹۰.

۴. اعیان الشیعه، ص ۱۵۰.

نیز آن امام فرمود: «او چون پیامبر عمل می کند و همانند او آثار جاهلیت را ویران می کند و اسلام را نو سازی می کند.»^۱

و در جای دیگر فرمود: او به راه و رسم پیامبر می رود و بیان کننده و مفسر آثار حضرت رسول است.^۲

۳. قیام مسلحانه

از ویژگی های آن حضرت، قیام مسلحانه است؛ یعنی همراه دلائل و برهان، برای پیشرفت کارها و ارائه مکتب توحید و عدالت، سلاح نیز به کار می برد. منظور از قائم بالسیف نیز همین است و کنایه از به کار بردن اسلحه است. امام باقر علیه السلام فرمود:

مهدی، از این جهت با جدش محمد شباهت دارد که با شمشیر قیام می کند و دشمنان پیامبر و طاغوت و ستمکاران و گمراه کنندگان را به قتل می رساند. هیچ یک از پرچم ها و ستون نظامی که به میدان جنگ می فرستند، شکست نمی خورند.^۳

با کدامین سلاح؟

برای پیشبرد یک قیام عمومی و یک انقلاب جهانی، ضرورت به کارگیری اسلحه، انکارناپذیر است؛ این که آن زمان، امام فقط با شمشیر می جنگد یا با سلاح مدرن، مطلبی است که باید گفت منافات ندارد که امام علیه السلام همه سلاح های مدرن روز را یا به قدرت خداوند و اعجاز و یا طبق درخواست مردم آگاه و دارندگان آن سلاح در اختیار داشته باشد.

در انقلاب اسلامی ایران، ملت ما و رهبر ما، نخست سلاح مدرن نداشت؛ ولی

۱. «یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله، کما هدم رسول الله امر الجاهلیه و یتأ نف الاسلام، جدیداً»؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ۳۵۲.

۲. قال الصادق علیه السلام: «اذ اقام قائمنا سار بسیره رسول الله الا انه یبین آثار محمد»؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۷؛ ابن عساکر، *تاریخ*، ج ۱، ص ۶۲، طبع شام به نقل از *منتخب الاثر*.

۳. «اما شبهه من جده المصطفی فخروجه بالسیف و قتله اعداء الله و رسوله و الجبارین و الطواغیت و انه ینصر بالسیف و الرعب انه لاتردله رایة»؛ *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

سرانجام همه اسلحه‌های مدرن در اختیارش قرار گرفت. این، به دلیل آمادگی مردم برای انقلاب بود. با آمادگی مردم، جهان هنگام قیام مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد بود. ممکن است خود حضرت به سلاح‌هایی دست یابد که همه سلاح‌های مدرن جهان برابرش ناچیز باشند. یا طبق پیش‌بینی امثال اینشتاین و دیگران، جنگ آینده (و جنگ جهانی سوم) جنگ اتمی و ... نخواهد بود و چون تمام تمدن و صنعت بشر، در آن روز نابود خواهد شد و بشر باقیمانده، به زندگی ابتدایی باز می‌گردد و قهراً تنها سلاح آنروز شمشیر خواهد بود!

البته این هم یک احتمال است که معنای قیام با شمشیر را توجیه می‌کند.

۴. پذیرش حکومت جهانی واحد

از خصوصیات زمان آن حضرت، آن است که جهان، در اثر ظلم و جور به جان آمده، پذیرای حکومت عدل جهانی امام زمان می‌شود؛ آن چنان که در اندک مدتی، حکومت‌ها سقوط می‌کنند و همه مردم جهان از شرق و غرب، زیر پرچم آن حضرت جمع می‌شوند.

امام علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم آل محمد ظهور کند، خداوند اهل مشرق و مغرب را نزدش جمع می‌کند.^۱

او به تمام نقاط جهان تسلط می‌یابد و دین او بر تمام شرق و غرب مسلط می‌شود. بدعت‌ها و باطل‌ها را نابود می‌سازد، تا اثری از ظلم دیده نشود. همه مردم خدا پرست می‌شوند و دولت‌های باطل، ریشه کن می‌گردد.^۲

هنگامی که امام زمان ظهور کند، مردم و شیعیان، از هر کجا که باشد در نزد آن حضرت جمع می‌شوند.^۳

۱. «و كما يجتمع قزع الخريف»؛ ابن عساکر، تاریخ، ج ۱، ص ۶۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۷۱-۴۷۷.

۲. «إذا قام القائم لم يعبد الا الله عزوجل اذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛ منتخب الاثر، ص ۴۷۱.

۳. عن الحسن علیه السلام: «و الله لو قد قام قائمنا يجمع الله اليه، شيعتنا من جميع البلدان»؛ نهاية المرام، به نقل از منتخب الاثر، ص ۴۷۷.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه «لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» می‌فرماید: «کسی باقی نمی‌ماند، مگر آن که به دین پیامبر اعتراف می‌کند»^۱.

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمود:

«هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن که به یگانگی خدا و توحید و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شهادت می‌دهد»^۲.

۵. گسترش عدالت در زمین

روایات زیادی از پیامبر و امامان علیهم السلام وارد شده است به این مضمون که عدالت جهانگیر و گسترده، فقط در زمان حضرت مهدی علیه السلام امکان‌پذیر است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «ان الله یحیی الارض بعد موتها» فرمود:

«خداوند زمین را به وسیله قائم با عدالت احیاء می‌کند؛ آن گاه که با ستم مرده باشد»^۳.

امام صادق علیه السلام درباره او می‌فرماید:

هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کرد، به عدالت حکم می‌کند و جور و ستم برداشته می‌شود. راه‌ها امن می‌گردد و حق هر کس به او بازگردانده می‌شود. همه ادیان، اسلام را می‌شناسند و ایمان می‌آورند. مگر گفتار خداوند را نشنیده‌ای که فرمود: «همه آنچه در آسمان و زمین است - چه خواسته یا نخواست - مطیع او است و به سوی مردم حکم خواهد کرد»^۴.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امت او، گرد او جمع می‌شوند، مثل زنبورهای عسل که گرد ملکه و رهبر خویش جمع می‌شوند.^۵

۱. قال ابو جعفر علیه السلام: «لا یبقی احد الا اقر بمحمد صلی الله علیه و آله و سلم».

۲. قال ابو عبدالله علیه السلام: «اذا قام القائم، لا یبقی ارض الا نودی فیها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله»؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. «یحییها بالقائم فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بالظلم»؛ منتخب الاثر، ص ۴۷۸.

۴. «حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السبل... و رد کل حق الی اهله و لم یبق اهل دین، حتی یظهروا الاسلام و یعرفوا بالایمان اما سمعت الله سبحانه یقول: و له اسلم ما فی السماوات و الارض طوعا او کرها و الیه ترجعون و حکم بین الناس بحکم داود و حکم محمد»؛ عیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۳.

۵. همان، ص ۴۷۸: «ولا یوقظ نائما و لا یهریق دما».

خداوند، به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ظلم و جور شده است؛ در زمان او ذره ای ستم بر کسی روا نشود و آسایش بیگناهی بر هم نخورد و خونی بناحق ریخته نشود^۱ و آثاری از ظلم دیده نخواهد شد.^۲

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: او گنجینه های زمین را استخراج می کند و اموال را تقسیم می نماید و اسلام را ثابت و مستقر می سازد.^۳

۶. امنیت عمومی

عملکرد امام زمان پس از ظهور، در زمینه تقویت و توسعه ایمان و اخلاق، فوق العاده است. آن حضرت، آن چنان با اخلاق و رفتارش و با برطرف ساختن موانع سعادت و هدایت مردم، مردم را به اسلام و حقانیت دعوت می کند و عدالت و حق را تعمیم می دهد که همه کافران مومن می شوند و همه گمراهان، صالح می گردند،^۴ تا آن جا که درندگان وحشی هم بی آزار می شوند و در صلح و صفا زندگی می کنند.

آن چنان آزادی و امنیت برقرار می شود که اگر شخصی از این سر دنیا به آن سر دنیا برود، کسی متعرض او نخواهد شد.

امام زمان علیه السلام زمین را پر از عدل و داد می سازد؛ چنان که پر از جور شده بود. حیوانات همه ایمن می باشند و زمین آنچه در درون دارد، از طلا و نقره، مثل ستون بیرون می افکند.^۵

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

کینه، از دل های بندگان بیرون می رود و درندگان و حیوانات در صلح و

۱. همان، ص ۴۷۵.

۲. حتی لایری اثر من الظلم.

۳. قال ﷺ: «انه یستخرج كنوز الارض و یقسم المال و یلقى الاسلام بجرانه»؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۴۲.

۴. «و تصطلع فی ملكه السباع...»؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۷.

۵. «المهدی الذی یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا تمن البهائم و السباع و یلقى الارض، افلاذ کبدها... مثل الاسطوانه من الذهب و الفضة».

صفا زندگی می‌کنند. زنی با زینت‌های خود بین عراق و سوریه را بدون ترس و خوف می‌پیماید و پا نمی‌گذارد، مگر بر سبزه و گیاه. شرور از بین می‌رود و زنا و فحشا و می‌گساری برطرف می‌شود و جز خیر، چیزی باقی نمی‌ماند.^۱

۷. نزول حضرت عیسی

مقام و منزلت حضرت مهدی علیه السلام به حدی است که حضرت عیسی پس از رجعت و نزول که همه یهود و مسیحی و غیره به او ایمان آورده‌اند، پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند و به حضرت مهدی می‌گوید: تو سزاوارتری به امامت جماعت و ...^۲ آن حضرت، نابود کننده دجال فتنه گر و گمراه گر مشهور است که دعوت کننده مردم به باطل و آزادی مطلق فحشاء، قمار و شراب و ... می‌باشد.

۸. تکامل اخلاقی و معنوی

در زمان حضرت مهدی علیه السلام و در سایه رهبری آن حضرت، زمین و زندگی در دنیا پر از صلح و صفا می‌شود و آسایش و رفاه همه جای دنیا حکم فرما می‌شود. از جنگ و دشمنی خبری نیست و عداوت‌ها، کینه‌ها، حسدها و دشمنی‌ها از دل مردم ریشه کن می‌شود و امنیت عمومی برقرار می‌گردد.^۳

امام چهارم علیه السلام فرمود: «هنگام حکومت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بیماری‌ها و نقص اعضا و .. از اجتماع مسلمانان رخت می‌بندد».^۴

تکامل علوم و عقول و دانش و تکنیک

یکی از آثار مهم ظهور آن حضرت، پیشرفت چشمگیر عقل، اندیشه‌ها و دانش و

۱. «لذهب الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم و حتی تمشی المرأة بین العراق الی الشام لاتضع قدمیها الا علی النبات و علی راسها زینتها لایهیجها سبع و لا تخافه الخرائج... یذهب الشر و یبقی الخیر و یذهب الزنا و شرب الخمر و یذهب الربا...»؛ *منتخب الاثر*، ص ۴۷۴؛ *النوادر*، ص ۱۸۹.

۲. «انت اولی بالصلوة، فیصلی عیسی ورائه ماموما»؛ *مستدرک حافظ* به نقل از *منتخب الاثر*، ص ۴۷۲.

۳. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۳۷.

۴. همان، ص ۱۳۲ و ۳۴۵.

علوم است. برقراری یک حکومت نمونه جهانی و دربرگیرنده همه ملل و اقوام و بردارنده همه مرزهای جغرافیایی و گردآورنده همگی جهانیان زیر یک پرچم و در سایه توحید و عدالت گسترده، بدون آمادگی و بدون آگاهی، امکان پذیر نیست. امام صادق علیه السلام فرمود: «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و تاکنون بیش از دو حرف آن در دسترس بشر قرار نگرفته است. و بعد از ظهور امام، بیست و پنج حرف دیگر آن، نیز ظاهر می شود». امام باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی که امام زمان ظهور می کند، دست قدرت الهی بر سر بندگان گذارده می شود عقل هایشان و افکارشان بالا می رود و رشد می کند»^۱.

۱۰. گسترش فوق العاده شعاع دید و شنوایی

هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام شعاع فعالیت و قدرت دید انسان ها و شنوایی آن ها فوق العاده گسترش می یابد. شعاع دید، حوزه شنوایی انسان، مرزها و قاره ها را می نوردد و حتی از میدان جاذبه کرات می گذرد و پیام های بسیار دور از فضا دریافت می کند و از راه بسیار دور، هم دیگر را می بیند و با هم صحبت می کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما ظهور کند، خداوند، قدرت بینایی و شنوایی شیعیان ما را آن قدر توسعه می دهد و زیاد می کند که میان آنان و امام، نیازی به واسطه و قاصد نباشد؛ چنان که امام زمان با آنان بی واسطه و بدون پیک، سخن می گوید و آنان از راه دور، مستقیماً او را ببینند و کلماتش را بشنوند، در حالی که آن حضرت در جای خودش قرار دارد.^۲

جالب تر آن که افرادی که در غرب هستند، می توانند کسانی که در شرق عالم

۱. «إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به أخلاقهم»؛ نوادر، ص ۱۸۹.

۲. همان، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۷.

هستند، را ببینند.^۱ بدون آن که نیازی به حرکت از جای خود داشته باشند. امام زمان با شکوه فراوان بر مرکب بسیار سریع و تندرو سوار می‌شود که در روایات از آن، به ابر تعبیر شده است.^۲

گوینده غیبی از آسمان، ندای ظهور و انقلاب مهدی علیه السلام را به گوش جهانیان می‌رساند؛ به گونه‌ای که هر قوم و ملت به زبان خودش آن را بفهمد.^۳

این روایات که در گذشته بسیار دور و متجاوز از چهارده قرن پیش صادر شده است، نمودار پیشرفت علوم و دانش، وسایل ارتباط جمعی و تکامل صنعتی بشر در زمان غیبت می‌باشد.

۱۱. آبادی و عمران زمین، پیشرفت کشاورزی و دامداری

پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند که:

«امام زمان بر شرق و غرب زمین مسلط می‌شود و همه معادن و گنج‌های زیر زمینی در حکومت او آشکار و استخراج می‌شود. در زمین، مخروبه‌ای باقی نمی‌ماند، مگر آن که به وسیله او آباد شود.^۴ زمین، طراوت و زیبایی خود را باز می‌یابد، نه‌رها جاری می‌شود. فتنه‌ها و فساد و تهاجم، ریشه کن می‌گردد و خیر و برکات زیاد می‌شود.^۵

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر امت من، مهدی ظهور می‌کند. خداوند، زمین را با باران‌های سودمند سیراب می‌سازد و زمین هم نباتات خود را بیرون می‌آورد و دام‌ها زیاد می‌شود».^۶

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۶۴.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۸۲ و ۵۱۸ و ۱۶۸ (لایقی فی الارض خراب الا قد عمر).

۵. همان.

۶. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یخرج فی آخر امتی المهدی یسقیه الله الغیث و تخرج الارض نباتها و یعطى المال و تکثیر الماشیه»؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶ و ۳۱۵، منتخب الاثر.

وضع اقتصادی مردم به حدی خوب می‌باشد و اיתار و گذشت به حدی فراوان است که فقری پیدا نمی‌شود تا به او زکات بدهند.^۱

«و تظهر الارض من کنوزها حتی یراها الناس علی وجهها و یطلب الرجل منکم من یصله بماله و یاخذ منه زکاته فلا یجد احدا یقبل منه ذلک، استغنی الناس بمارزقهم الله من فضله».^۲

نتیجه‌گیری

درباره حضرت مهدی علیه السلام از گذشته‌های بسیار دور تا کنون کتب و رسالات و مقالات فراوان نوشته شده است؛ چه به طور تفصیل یا خلاصه و فشرده. کمتر موضوعی را می‌توان یافت که این مقدار کتاب و نوشته درباره آن داشته باشیم یا این چنین، مورد گفت‌وگو و بحث قرار گرفته باشد. و باز کمتر موضوعی است که درباره‌اش این اندازه حدیث و روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و... نقل شده باشد.

احادیث منقول درباره حضرت مهدی و آخرالزمان و ظهور و غیبت آن حضرت، از سه هزار متجاوز است؛ به ویژه آن که در کتب عهد باستان و میان اقوام و ملل و ادیان مختلف، چه الهی یا غیر آن و چه ادیان تحریف شده یا تحریف نشده، به قیام مصلح حق و جهانی اشاره و حتی تصریح شده است. در بسیاری از آن‌ها، خصوصیتی که بر مهدی علیه السلام موعود و امام زمان علیه السلام کاملاً تطبیق بکند، فراوان است. همه آنان سرانجام جهان را به سوی نور و هدایت، خوشبختی و سعادت، اصلاح و حقیقت و برقراری حکومت حق و عدالت نوید می‌دهند.

آینده جهان، روشن است و نورانی، نه تاریک و ظلمانی. این است بشارت همه انبیا برای همه امم و ملل و نوید پیروزی اسلام و قرآن برای محرومان و مظلومان و مستضعفان. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء^۳ و آیه ۵ سوره نور و آیه ۴ سوره قصص دلالت صریح دارد که

۱. نوادر، ۱۸۹: اعیان الشیعه، حالات امام دوازدهم، ص ۱۵۰.

۲. همان.

۳. «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

حضرت مهدی علیه السلام و مصلح جهانی و الهی، سرانجام ظهور خواهد کرد و در آن، تردیدی نیست؛ بلکه مقبول همه ملل و فرق و امت‌ها است. تنها در پاره‌ای از خصوصیات او اختلاف است و این که آیا او زنده و حی است یا بعداً متولد خواهد شد، کم و بیش اختلاف نظر وجود دارد. از جمله اختلاف‌های اساسی برخی از اهل سنت با شیعه در همین قسمت است. با همه این‌ها مهم آن است که این موعود ادیان و امم و منتظر ملل، همان، حجت بن الحسن المهدی علیه السلام دوازدهمین پیشوا و فرزند امام یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ ق متولد شده و پس از طی دوره کوتاه غیبت، یعنی غیبت صغرا به تقدیر و به اذن خدا از انظار غایب و چون خورشید پنهان در پشت ابر، به هدایت و رهبری خود ادامه می‌دهد. او زنده است، تا روز موعود که به اذن خداوند ظاهر شود و قیام عمومی و جهانی خویش را آغاز کند.

این عقیده شیعه افسانه نیست؛ بلکه از صدها و هزاران حدیث صحیح^۱ از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و صحابه گرفته شده است.^۲

این جا است که خط مشی شیعه با بسیاری از منتظران عمومی و کلی، مصلح جهانی و ظهور مهدی و از اهل سنت جدا می‌شود.

بیش از هزار حدیث از پیامبر و امامان علیهم السلام تنها در تعیین نسب آن حضرت و مشخصات پدران معصوم او و این که او دوازدهمین امام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام و ششمین امام بعد از امام صادق و ... است، وارد شده است ...^۳

پس وجود و ظهورش، حقیقتی انکارناپذیر است و در کتب معتبر شیعه و اهل سنت دلایل فراوان دارد. حال چرا نپذیرفتند، خود جای بحث است؛ ولی باید گفت دلیل عمده عدم پذیرش آنان، آن است که با پذیرش این نکته که مهدی موعود

۱. به مقاله نگارنده در کتاب *بقیة الله* گفتار سوم مراجعه شود. درباره امام زمان تاکنون کتاب‌های بسیاری چاپ شده است.

۲. به کتب مربوطه از جمله کتاب «*منتخب الاثر*» مراجعه شود.

۳. همان.

همان حجت بن الحسن فرزند بی واسطه امام یازدهم و همان دوازدهمین امام است، مهمترین سند بر حقانیت شیعه و امامت و خلافت اهل بیت علیهم السلام است که خیلی ها آگاهانه یا ناآگاهانه نخواسته اند آن را بپذیرند.

در پایان یادآوری می کنیم که در این مقاله به چند نکته مهم اعتقادی شیعه دوازده امامی و مکتب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید داشتیم:

۱. مکتب تشیع، همان مکتب اصیل اسلام راستین نبوی و علوی است؛ اسلامی که همه انبیا و مرسلین خود را پیرو آن دانسته و به پیروی از آن خواندند، نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، یعقوب و دیگران و

۲. هر انسانی حداقل هنگام مرگ و مشاهده عذاب و قیامت طوعاً یا کرهاً، ناگزیر به اعتراف به مکتب است!

۳. پیروزی فراگیر و جهانی این آیین بر تمام ادیان و مکتب ها یقینی است.

۴. امام زمان و مهدی علیه السلام تولد یافته و زنده است؛ ولی ظهور آن حضرت به اذن خدا و اراده او بستگی دارد.

۵. منکران این عقیده و امام زمان و مهدی علیه السلام کافرند و انکار او همانند انکار تمامی انبیا است.

۶. مدعیان دروغین مهدویت یا نیابت از مهدی از گذشته های دور تا به امروز همه رسوا شده اند.